

ریشه‌یابی اختلافات تفسیری

دکتر محمد کاظم شاکر

استادیار دانشگاه قم

چکیده پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

عمده اختلافات تفسیری از سه ناحیه ناشی می‌شود: متن قرآن، موقعیت نزول آیات و شخصیت مفسر. در متن قرآن اموری چون الفاظ چندمعنا، تعارضات ظاهری و اختلاف قرائات و در خصوص موقعیت نزول قرآن اسباب نزول و شرایط اقتصادی و اجتماعی و در زمینه مفسر عواملی مثل منابع استنادی، باورهای اعتقادی و جهت‌گیری‌های عصری و شیوه‌های پردازشی اختلافات تفسیری را موجب شده‌است. شرح این مطالب را در این مقاله مطالعه کنید.

کلید واژه‌ها: تفسیر، اختلافات تفسیری، متن قرآن، موقعیت نزول قرآن، شخصیت مفسر.

۱. مقدمه

به جرأت می‌توان گفت که بر هیچ متنی به اندازه قرآن کریم شرح و تفسیر نگاشته نشده است. از قرن اول تاکنون هزاران تفسیر از این معجزه جاوید در معرض افکار و اندیشه‌ها قرار گرفته است. این کثرت شگرف در بیشتر موارد بر محور قواعد و اصول مشترک صورت گرفته، اما تنوع و اختلاف روشها، گرایشها و سبکهای مفسران امری نیست که بر کسی پنهان مانده باشد. این اختلاف و تنوع باعث شده تا از تفاسیر با نامها و اوصاف گوناگون یاد شود؛ مانند: تفسیر نقلی، تفسیر عقلی، تفسیر عرفانی، تفسیر اجتماعی و تفسیر فقهی.

سؤال اساسی که همیشه مطرح بوده، این است که تفاسیر در چه مواردی با هم اختلاف دارند؟ عامل یا عوامل این اختلاف چیست؟ در این مقاله ضمن ریشه‌یابی عوامل اختلاف، به عرضه تقسیماتی روش‌مند از انواع تفسیر خواهیم پرداخت.

۲. عوامل اختلاف در تفسیر

عمده اختلافات در تفسیر از سه ناحیه ناشی می‌شود:

- متن قرآن؛
- موقعیت نزول آیات؛
- نظریات و اعتقادات مفسر.

اینک هر یک از این عوامل را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱.۲. متن قرآن

ممکن است لفظ یا ترکیب متن به گونه‌ای باشد که تفسیرهای متفاوتی از آن عرضه شود. موارد زیر از جمله آنهاست.

٢.١.١. اشتراک لفظی

لفظی که دارای دو یا چند معنای وضعی است و در متن قرینه‌ای بر تعیین قطعی یکی از آنها نباشد، به طور طبیعی باعث تفسیرهای مختلف می‌شود.
 مثل: «وَاللَّيْلِ إِذَا عَسَسَ»^۱. در اینجا «عَسَسَ» دارای دو معناست؛ اَقْبَلَ و اَدْبَرَ.

یا مانند: وَالْمُطَلَقَاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ^۲
 در این آیه، قُرُوء به دو معنا آمده است؛ طهارت و حیض.

٢.١.٢. حقیقت و مجاز

گاهی لفظ دارای یک معنای حقیقی و یک یا چند معنای مجازی است. گاهی مفسری آن را بر معنای حقیقی و مفسر دیگری با استناد به پاره‌ای قراین بر معنای مجازی حمل می‌کند؛ مثل: وَ تِيَابِكَ فَطَهَّرَ^۳.
 در این آیه معنای حقیقی ثياب، لباس است؛ ولی مجازاً به معانی قلب، عمل و نفس نیز حمل شده است.^۴

یا مانند: لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ^۵
 در اینجا میزان به معنای ترازو است؛ ولی به عدل نیز تفسیر شده است.^۶

٢.١.٢. معانی حروف

برخی از حروف دارای چند معناست که این امر نیز در مواردی باعث تفسیرهای متفاوتی شده است؛ مانند: وَاْمَسَحُوا بِرُؤُوسِكُمْ^۷.
 در این آیه برخی حرف باء را به معنای تبعیض گرفته و بعضی آن را برای تأکید دانسته‌اند.^۸

مانند: وَ لَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَا مِنْكُمْ مَلَائِكَةً فِي الْأَرْضِ يَخْلُقُونَ^۹.

حرف «مِن» در این آیه به دو معنای بَدَلِيَّت و تَبْعِيض تفسیر شده است.^{۱۰}

۴.۱.۲. اطلاق و تقیید

در برخی موارد لفظی به صورت مطلق و در جای دیگر به صورت مقید آمده است.

مثل: وَالَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَا^{۱۱}.

یا مانند: لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا عَقَدْتُمُ الْإِيمَانَ فَكَفَّارَتُهُ أَطْعَامُ عَشْرَةِ مَسَاكِينَ مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعَمُونَ أَهْلِيكُمْ أَوْ كَسْوَتِهِمْ أَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ^{۱۲}.

نیز مانند: وَ مَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَاً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٌ وَ دِيَةٌ مَسْلُومَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهَا إِلَّا أَنْ يَصَدَّقُوا^{۱۳}.

ملاحظه می‌شود در مورد کفاره ظهار و یمین، لفظ رقبه و در مورد کفاره قتل خطائی، رقبه مؤمنه آمده است. ممکن است مفسری در دو مورد اول به اطلاق رقبه عمل کند و ممکن است با توجه به آیه سوم، آن را حمل بر مقید نماید^{۱۴}. در مورد عموم و خصوص نیز همین بحث مطرح است.

۵.۱.۲. مرجع ضمیر

در برخی موارد دو یا چند موضوع صلاحیت دارد که مرجع برای ضمیری واقع شود که این امر خود سبب اختلاف در تفسیر می‌شود؛ مثل: یا ایها الانسان انک کادح الی ربک کدحاً فملاقیه^{۱۵}.

برخی ربّ و برخی کدح را مرجع ضمیر در فملاقیه دانسته‌اند^{۱۶}.

۶.۱.۲. وجوه اعراب

یکی دیگر از عوامل اختلاف تفسیر، احتمال ترکیب‌های مختلف در یک عبارت است؛ مثل: وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ^{۱۷}.
واو در و الراسخون دارای یکی از دو وجه اعراب است؛ عاطفه و استیناف.

۷.۱.۲. نوع استثناء یا مستثنی منه

در برخی موارد، نوع استثناء مورد اختلاف است که آیا منقطع است یا متصل. نیز گاهی مستثنی منه مورد اختلاف است و آن در جایی است که استثناء پس از چند جمله متعاطف بیاید. در این صورت ممکن است حکم استثناء به جمله اخیر اختصاص داشته باشد و ممکن است در همه موارد سابق جاری باشد.

مثل: **وَ الَّذِينَ يَزُومُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا^{۱۸}.**

در این آیه سه حکم در مورد قاذف آمده است؛ تحمل هشتاد ضربه تازیانه، عدم پذیرش شهادتش و حکم به فسق او. مفسران اختلاف دارند که آیا توبه صرفاً سبب رفع حکم فسق او می شود یا دو حکم قبلی را نیز برمی دارد^{۱۹}.

۸.۱.۲. اختلاف در تقدیر

در برخی موارد، لفظ به گونه ای است که ناچار باید واژه یا عبارتی را در تقدیر گرفت. در اینگونه موارد، نوع تقدیر ممکن است مورد اختلاف نظر باشد.

مثل: **أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَى عِلْمٍ^{۲۰}.**

در این آیه، مفسران دو نوع تقدیر برای عبارت علی علم در نظر گرفته اند:
 ۱- **وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَى عِلْمٍ مِنَ الْعَبْدِ بِضَلَالِ نَفْسِهِ**؛ ۲- **فَاضَلَّهُ اللَّهُ عَلَى عِلْمٍ مِنَ اللَّهِ بِضَلَالِ الْعَبْدِ^{۲۱}.**

۹.۱.۲. اجمال لفظ

گاهی اجمال لفظ یا عبارت باعث اختلاف در تفسیر می شود.

مثل: **كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ^{۲۲}.**

برخی گفته اند: مراد از حق در این آیه، همان زکات واجب است و عده ای آن را غیر از زکات دانسته اند^{۲۳}.

بعضی از موارد اختلاف قرائات مستلزم اختلاف در معناست.

مثل: و ما هو علی الغیب بضنین^{۲۴}.

کلمه "ضنین" هم به "ضاد" و هم "ظاء" قرائت شده است^{۲۵}. ضنین به معنای بخیل و ظنین به معنای متهم است.

۲.۲. موقعیت نزول

بی تردید قرآن کریم در طول دوره رسالت پیامبر اسلام ﷺ به تدریج نازل شده و پاره‌ای از آیاتش در ارتباط تنگاتنگ با حوادث و رویدادهای زمان خویش است؛ از این رو فهم این گروه از آیات بدون اطلاع از قراین حالی و مقامی که از آن به موقعیت نزول یاد می‌کنیم، ممکن نیست.

عدم توجه به موقعیت نزول و نیز گزارش‌های متعدد در موقعیت نزول برخی آیات، سبب اختلاف در تفسیر شده است. این موضوع حتی در زمان صحابه مورد توجه قرار داشته است.

نقل است که عمر روزی با خود سخن می‌گفت و شکوه داشت از اینکه چه سان امت پیغمبر ﷺ با هم اختلاف می‌ورزند و حال آنکه پیغمبرشان یکی و قبله‌شان نیز یکی است. در همین حال ابن عباس به وی گفت: قرآن در میان ما نازل شد، خواندیم و یاد گرفتیم و دانستیم که در چه مورد نازل شده است. اما پس از ما مردمی می‌آیند که نمی‌دانند و همچنین مقتضیات حال را درک نمی‌کنند و رأی خود را در فهم قرآن دخالت می‌دهند. این است که اختلاف پیدا می‌شود و چه بسا که اختلاف، کار را به کشتار برساند. عمر از شنیدن این سخنان خشم گرفت و ابن عباس را از نزد خود راند. ابن عباس رفت و عمر ساعتی اندیشید. گفته ابن عباس به نظرش درست آمد. او را خواست و گفت: آنچه گفتی تکرار کن. ابن عباس نیز چنان کرد. عمر سخن او را شنید و فهمید و شگفتی کرد^{۲۶}.

در دوره‌های بعدی نیز مفسران و به خصوص نویسندگان اسباب نزول همگان

را نسبت به این امر هشدار داده‌اند: واحدی نیشابوری که معروف‌ترین کتاب در اسباب نزول قرآن به نام او رقم خورده است در مقدمه کتاب خود می‌نویسد: شناخت تفسیر آیه قرآن و معنای صحیح آن، بدون آگاهی کامل به داستان و بیان نزولش ممکن نیست^{۲۷}.

فیروزآبادی در بصائر ذوی التمییز می‌نویسد: «التفسیر هو البحث عن سبب نزول الآیة و...»^{۲۸} و همینطور دیگران در تعریف تفسیر، جایگاه قابل توجهی را برای اسباب نزول قائل شده‌اند.

بر این اساس، توجه به اسباب نزول و نیز موقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی عصر نزول ممکن است سبب تفسیری متفاوت از ظاهر خطاب در برخی از آیات شود. به عنوان مثال، توجه به آیاتی که در موقعیت جنگی نازل شده‌است، تفسیری متفاوت از اطلاق ظاهری آن آیات ارائه می‌دهد.

علاوه بر آن، وجود گزارش‌های مختلف درباره یک آیه، سبب اختلاف در تفسیر شده است، به مثال در مورد آیه عَبَسَ و تَوَلَّى، گزارش شده است که پیامبر ﷺ با عده‌ای از سران قریش در حال گفتگو بود که عبدالله بن ام مکتوم بر ایشان وارد شده و با سخن خود که می‌گفت: مرا از آنچه خدا به تو یاد داده، بیاموز! گفتگوی پیامبر با سران قریش را قطع می‌کرد، پیامبر از این وضعیت ناراحت شده، چهره در هم کشیده و از او روی گرداندند و به گفتگوی خود با سران قریش ادامه دادند^{۲۹}.

در گزارش دیگری از قول امام صادق علیه السلام آمده است که آیه "عَبَسَ و تَوَلَّى" وصف حال مردی از بنی امیه است که در جریان ورود عبدالله بن ام مکتوم چنین رفتاری داشته است.^{۳۰}

۳.۲. نظریات و اعتقادات مفسر

پیدایش روش‌ها و گرایش‌های تفسیری حاصل اندیشه‌ها، تئوریا و باورهای مفسران است. مفسر قرآن با توجه به اعتقادات، نظریات، فرضیات و سلیق خود

دست به‌گزینش عوامل شکل دهنده تفسیر می‌زند.

عمده‌ترین مواضع‌گزینش مفسر به ترتیب اهمیت و اثرگذاری در تفسیر عبارتند از:

(۱) منابع؛

(۲) باورهای اعتقادی؛

(۳) جهت‌گیری‌های عصری؛

(۴) سبک‌های پردازش و پرورش موضوع.

در اینجا هر یک از آنها را به اختصار مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱.۳.۲. اختلاف منابع در نظر مفسران

منابع معتبر برای تفسیر در نظر مفسران متفاوت است؛ یکی معتقد است که تنها منبع معتبر در تفسیر، روایات پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام است؛ دیگری بر این باور است که در تفسیر باید تنها بر قرآن و روایات تکیه کرد؛ سومی برای عقل در کنار قرآن و روایات نقشی بسزا قایل است و دیگری قرآن را سراسر رمز دانسته، کشف و شهود را تنها کلید گشایش این رمز می‌پندارد و....

اختلاف در منابع تفسیر منحصر به اختلاف در منابع اصلی نیست. ممکن است مفسرانی در منابع اصلی با هم اتفاق نظر داشته باشند؛ اما در فروع یا قواعد متخذ از منابع اصلی و یا نحوه اجرای آنها نظری متفاوت از یکدیگر داشته باشند. به مثال، در میان مفسرانی که اثر را از منابع تفسیر می‌شمارند، عده‌ای خبر واحد را نیز حجت می‌دانند و گروهی حجیت آن را به احکام فقهی منحصر می‌سازند^{۳۱} یا یکی با اسرائیلی دانستن برخی روایات، استناد به آنها را جایز نمی‌شمرد و دیگری چنین دیدگاهی ندارد.

به مثال دیگر، مفسرانی که اجمالاً عقل را به عنوان منبع در تفسیر پذیرفته‌اند، ممکن است در برخی از قواعد عقلی اختلاف نظر داشته باشند؛ یکی قاعده قبح تکلیف بما لایطاق را قبول دارد و دیگری این نوع تکلیف را از سوی خداوند

جایز می‌شمرد.

به هر حال، اختلاف در منابع تفسیری، کم و بیش در تفسیر همه آیات و سوره تأثیر می‌گذارد. ما اینگونه اختلافات را مناهج یا روشهای تفسیری می‌نامیم و تقسیم تفاسیر به مأثور، قرآن به قرآن، شهودی (فیضی-اشراقی)، ظاهری، باطنی، عقلی و اجتهادی را در این چارچوب قابل ارزیابی می‌دانیم.^{۳۲}

۲.۳.۲. باورهای اعتقادی مفسر

یکی دیگر از عوامل اصلی اختلاف در تفسیر، گرایش‌های مذهبی مفسران است. اختلافات مذهبی و کلامی مفسران سبب تمایز تفاسیر در تبیین پاره‌ای از آیات قرآن کریم شده است.

به مثال، نحله‌های کلامی چون شیعه، معتزله، اشاعره، ماتریدیه در آیات مربوط به صفات، اسماء و افعال خداوند و عصمت پیامبران تفسیری متفاوت از یکدیگر عرضه کرده‌اند.

ذکر این نکته لازم است که فرقه‌های اسلامی با همه اختلافات فقهی و کلامی، در تفسیر اکثر آیات قرآن وحدت نظر دارند، به جز گروههایی چون باطنیه (اسماعیلیه) و برخی از صوفیه که قرآن را سراسر رمز می‌دانند. طبیعی است که این گروهها به دلیل اختلاف اصولی در منابع تفسیر، کمترین نقطه اشتراک با دیگر نحله‌های فکری داشته باشند.

به هر صورت، تنوع در گرایشها و باورهای دینی و مذهبی سبب پیدایش مذاهب و مکاتب تفسیری شده و عناوینی چون تفسیر شیعی، تفسیر معتزلی، تفسیر باطنی (اسماعیلی)، تفسیر کلامی، تفسیر صوفی، ناظر به اختلاف مذهبی مفسران است.

۲.۳.۲. جهت‌گیری‌های عصری مفسر

مراد از جهت‌گیری‌های عصری، سمت و سوهایی است که ذهن و روان مفسر در

تعامل با شرایط و مسائل عصر خود، بدانها تمایل دارد. به طور مثال، در حالی که مهمترین دغدغه فکری مفسری تربیت معنوی افراد است، مفسر دیگری فارغ از این دغدغه، بزرگترین دل‌مشغولی‌اش مبارزه با حکومت جور و ایجاد یک حکومت دینی است. به طور قطع، تفسیر این دو مفسر در عین دارا بودن نقاط مشترک فراوان، هر یک دارای جهت‌گیری خاص خود است، حتی اگر آن دو مفسر در استناد به منابع و نیز باورهای مذهبی و کلامی با هم یکسان بیندیشند.

باید گفت که روحیات مفسر، میزان بهره‌مندی او از دانش‌های مختلف، دغدغه‌های فکری او نسبت به دین، انسان، مسائل اجتماعی و تحولات زمان از اهم اموری است که در شکل‌گیری انواع تفسیر عصری مؤثر است. به مثال، در عصری که تحولات شگرف علمی، افکار را مسحور و مسحور خویش ساخته بود، مفسرانی چون **طنطاوی** با عرضه تفاسیری با جهت‌گیری علمی، تلاش کردند تا هماهنگی قرآن و وحی را با علم و دانش نشان دهند.

عرضه مسائل و شبهات جدید به قرآن خود از مسائلی است که اختلاف در تفسیر را باعث شده است. بدون تردید، قرآن کریم در هنگام نزول، در مقام بیان همه مسائلی که امروز مطرح می‌شود، نبوده است؛ ولی مسلمانان همیشه خواسته‌اند با مراجعه به قرآن کریم، درستی یا نادرستی مسائل زمان خود را دریابند. از آنجا که بسیاری از مسائل جدید دارای جوانب و لایه‌های مختلف است، هر مفسری با مهم دیدن لایه یا جنبه‌ای از موضوع، به سراغ ظواهر، اطلاعات و عموماً قرآن کریم رفته است و در نتیجه پاسخ‌های مختلف از قرآن دریافت کرده‌اند.

در هر صورت، بسیاری از اوصافی که برای تفسیر ذکر می‌شود، نشانه جهت‌گیری خاص مفسران است؛ اوصافی چون تفسیر عصری، تاریخی، اخلاقی، تربیتی، هدایتی، ارشادی، روحانی، علمی، اجتماعی و تقریبی (تقریب گرایانه) از این دست است.

۴.۳.۲. سبکهای پردازش و پرورش موضوع

مفسران علاوه بر اختلاف در روش، گرایش و جهت‌گیری، در تنظیم و بیان مطالب نیز دارای شیوه‌های گوناگونی هستند که بیشتر به دو عامل ذوق و سلیقه شخصی و درک شرایط مخاطب برمی‌گردد.

مفسری ترجیح می‌دهد تفسیرش را به سبک مزجی بنویسد؛ مفسر دیگری به دلیل علاقه و تبحر در لغت، بحثهای لغوی را بسیار گسترده مطرح می‌کند؛ مفسر دیگری با توجه به تسلطی که بر قواعد فقهی و اصولی دارد، تفسیرش را به سبک کتب فقهی می‌نگارد؛ مفسری ترجیح می‌دهد بحثهای تفسیری را به صورت موضوعی مطرح کند؛ دیگری بر آن است که مراد هر یک از آیات را به ترتیب موجود در مصحف بیان کند. باید توجه داشت که اختلاف در شیوه‌های تنظیم و بیان مطالب، با مناهج، مذاهب و اتجاهات تفسیری ارتباطی ندارد. ما این نوع اختلافات در تفسیر را سبکهای پردازش و بیان تفسیری می‌نامیم.

سبکهای بیان در تفسیر را نیز می‌توان به دو قسم کلی و جزئی تقسیم کرد: سبکهایی چون مزجی، بیان مختصر، بیان تفصیلی، تفسیر ترتیبی (ترتیب نزول - ترتیب موجود) و موضوعی، سبکهای کلی هستند که هر یک از مفسران در تفسیر خود از یکی از آنها پیروی می‌کنند. بقیه امور از موارد جزئی است که ذوق و سلیقه شخصی مفسران در پدید آوردن آن دخالت تام دارد.

۳. خاتمه

در خاتمه ذکر چند نکته را لازم می‌دانیم.

(۱) وجود مناهج، مذاهب، اتجاهات و سبکهای بیانی مختلف در تفسیر نباید موجب این پندار شود که مفسران در هیچ موردی با هم توافق نظر ندارند؛ بلکه با وجود همه این اختلافات و تنوعها، اکثر مفسران از اصول و قواعد ثابتی پیروی می‌کنند.

۲) روش‌ها، گرایش‌ها و سبک‌های تفسیری همیشه نافی یکدیگر نیستند؛ بلکه در بسیاری از موارد مکمل یکدیگرند. چه بسیار پرده‌های ناخوانده‌ای از بطون قرآن کریم وجود دارد که با عرضه تفاسیر با روش‌ها، گرایش‌ها و سبک‌های مختلف و تضارب آرا خواننده خواهد شد. علاوه بر آن، وجود روش‌ها و گرایش‌های مختلف می‌تواند در تنقیح مطالب و نشان دادن درجه صحت هر یک مفید باشد.

۳) گاهی عنوانی به صورت مشترک به کار گرفته می‌شود. به طور مثال، گاهی مراد از تفسیر عرفانی تفسیری است که در آن از کشف و شهود به عنوان یک منبع و منهج در رسیدن به مراد خداوند استفاده شده است که در این صورت جزو مناهج تفسیری به شمار می‌آید و گاهی این عنوان به تفسیری اطلاق می‌شود که مفسر دارای جهت‌گیری معنوی و اخلاقی و تربیتی است که در این صورت این عنوان در زیر مجموعه جهت‌گیری‌های تفسیری (اتجاهات) قرار می‌گیرد.

۴. خلاصه و نتیجه

با بحثی که گذشت اهم اسباب و عوامل اختلاف در تفسیر روشن شد. به طور کلی، اختلاف یا از ناحیه متن است یا از ناحیه موقعیت نزول و قراین حالی و مقامی و یا از ناحیه گزینش‌های مفسر در روش، گرایش، جهت‌گیری عصری و سبک بیان است.

تفاسیر از ناحیه اختلاف نظر مفسران به چند عنوان قابل دسته‌بندی است:

- ۱) مناهج تفسیری که مربوط به پذیرش نوع و نحوه استناد به منابع است.
- ۲) مذاهب تفسیری که بیان‌کننده نوع باورهای مذهبی و کلامی مفسر است.
- ۳) اتجاهات تفسیری که حاکی از جهت‌گیری‌های خاص مفسر و تأثیر و تأثر او از مسایل زمان است.

۴) سبک‌های بیان در تفسیر که عبارت از نحوه پردازش و پرورش موضوع و

تنظیم مطالب برای مخاطبان است.

پی نوشتها

۱. تکویر/۱۷.
۲. بقره/۲۲۸.
۳. مدثر/۴.
۴. ر.ک: طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۹-۱۰، ص ۵۸۰، ذیل آیه.
۵. حدید/۲۵.
۶. ر.ک: قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۷، ص ۲۶۰، ذیل آیه.
۷. مائده/۶.
۸. ر.ک: قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۶، ص ۸۷-۸۸، ذیل آیه.
۹. زخرف/۶۰.
۱۰. ر.ک: ماوردی، النکت والعیون، ج ۵، ص ۲۳۴-۲۳۵، ذیل آیه: طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۹-۱۰، ص ۸۱، ذیل آیه.
۱۱. مجادله/۳.
۱۲. مائده/۸۹.
۱۳. نساء/۹۲.
۱۴. ر.ک: قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۶، ص ۲۸۰-۲۸۱، ذیل آیه ۸۹ مائده و نیز ج ۱۷، ص ۲۸۲، ذیل آیه ۳ مجادله.
۱۵. انشاق/۶.
۱۶. ر.ک: عبدالرحمن بن علی الجوزی، زادالمسیر فی علم التفسیر، ج ۸، ص ۲۲۷، ذیل آیه: طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۹-۱۰، ص ۶۹۹، ذیل آیه.
۱۷. آل عمران/۷.
۱۸. نور/۵۴.
۱۹. ر.ک: قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۲، ص ۱۸۰؛ طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۸-۷، ص ۱۹۹.
۲۰. جاثیه/۲۳.
۲۱. ر.ک: ماوردی، النکت والعیون، ج ۵، ص ۳۶۴، ذیل آیه.
۲۲. انعام/۱۴۱.
۲۳. ر.ک: طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳-۴، ص ۵۷۸، ذیل آیه: قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۷، ص ۹۹-۱۰۰، ذیل آیه.
۲۴. تکویر/۲۴.
۲۵. ر.ک: ابن جریر طبری، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، ج ۱۵، ص ۱۰۲، ذیل آیه.
۲۶. محمود رامیار، تاریخ قرآن، ص ۶۲۷.